

# نقش سرمایه‌گذاری خارجی در افزایش تولید

## بخش سوم:

### نظریات یک اقتصاددان

دکتر نیکنام استاد اقتصاد در دانشگاه تهران در پاسخ به این سؤال که سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد امروز جهان دارای چه جایگاهی است می‌گوید: جایگاه قبول شده، مؤثر و بزرگی دارد و از طرف کلیه کشورهای صنعتی پذیرفته شده است. به طوری که مستلاً دولت انگلیس برای جلب سرمایه‌گذاری ژاپنی‌ها در کشور خود ترتیباتی را اتخاذ می‌کند که اتحادیه اروپا اتمبیل نیسان را یک محصول انگلیسی تلقی کند، تا با شرایط ویژه بازار مشترک در تمام اروپا فروخته شود.

در جهان امروز بیشترین توجه به سرمایه‌گذاری خارجی به خاطر ایجاد درآمد برای کشور سرمایه‌پذیر است. این درآمد‌های به وجود آمده از طریق ضرب فزاینده‌ای که در اقتصاد کلان همیشه بر آن تکیه می‌شود، تولید ناخالص ملی را چندین برابر افزایش می‌دهد (بیشتر از مقدار سرمایه‌گذاری خارجی) پس دلیل علاقمندی مقامات دولتی کشورها به سرمایه‌گذاری خارجی بالا رفتن تولید ناخالص ملی در کشورشان است.

دکتر «نیکنام» در پاسخ به این سؤال که سرمایه‌گذاری خارجی در ایران قبل از انقلاب چه وضعیتی داشت می‌گوید: - قبل از انقلاب، سرمایه‌گذاری

خارجی نسبت به تولید ناخالص ملی رقم بسیار کوچکی را تشکیل می‌داد و عمده دلیل این کمبود سرمایه‌گذاری هم به دیدگاهی برمی‌گشت که بعضی مقامات و طبقه روشنفکر داشتند. آنها گمان می‌کردند که سرمایه‌گذاری خارجی راهی برای انتقال ثروت به خارج است. به همین جهت با آن مخالفت می‌کردند. به همین دلیل با قوانین و مقررات بسیار پیچیده و دست و پاگیر سعی در کنترل و زیر نظر داشتن سرمایه‌های خارجی می‌شد. این عمل باعث روگردانی خارجی‌ها برای سرمایه‌گذاری در کشور گردید و استقبال مناسبی از اینکار نشد. دلیل دوم انتقال تکنولوژی بود که توسط سرمایه‌گذاران خارجی به کشور

صورت می‌گرفت که به دلایل بسیار خارج از محدوده این گفتگو است. این تکنولوژی‌ها پس از ورود به ایران پیشرفتی نداشتند و در نتیجه برحسب مرور زمان آن مؤسسات از نظر تکنولوژیکی مستهلک گردیده و بازدهی خود را از دست دادند و این امر در عدم موفقیت آنها مزید بر علت شد.

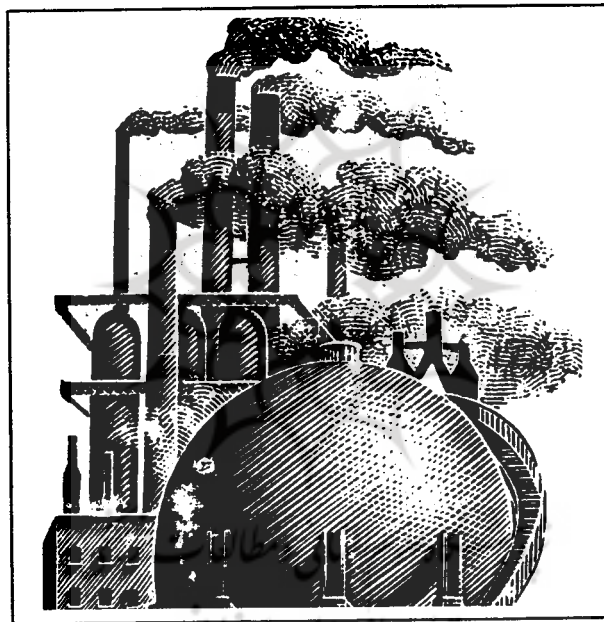
### تفاوت بین تکنیک و تکنولوژی

○ چرا انتقال تکنولوژی با مشکل مواجه می‌شود؟

- برای پاسخ به این سؤال باید بین

هیچگونه پیشرفتی در آن صنعت حاصل نخواهد شد. نمونه این استدلال شامل کلیه صنایعی است که مادر طول چند دهه گذشته به ایران وارد کردیم. همه آنها امروز به همان صورتی هستند که روز اول وارد گمرک شدند. مثلاً پیکان، اتوبوسهای بسین شهری، ذوب آهن اصفهان، پتروشیمی و سایر صنایع مشابه.

○ مقامات دولتی کشور ابراز علاقه می‌کنند که سرمایه‌گذاری خارجی و جلب این سرمایه‌ها می‌تواند اقتصاد کشور را تقویت کند. در مقابل عده‌ای ضمن قبول نفس مسئله یعنی پذیرش



سرمایه‌گذاری خارجی می‌گویند به خاطر تجارب تلخی که از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود دارد می‌بایست با دقت بسیار با این مسئله برخورد کرد تا مبادا باز هم ثروت‌های ملی بر باد رود. نظر شما چیست؟

- باید سرمایه‌گذاری خارجی را با دیدی مثبت نگریست. منتهی با احتیاط. به این ترتیب که هدف اصلی جلب سرمایه‌های خارجی، ایجاد درآمد و اشتغال در کشور باشد.

○ درباره هر یک از این موارد بیشتر توضیح بدهید؟

- قبل از صحبت در مورد این دو مسئله باید ابتدا درباره دلایل مثبت نگریستن به مسئله سرمایه‌گذاری

تکنیک و تکنولوژی تفکیک قائل شویم. تکنیک نحوه انجام یک کار فنی است. در حالی که تکنولوژی حاصل اختراعات علمی و بازده انباشتی دانش می‌باشد. وقتی که تکنولوژی از یک کشور صنعتی به یک کشور جهان سومی وارد می‌شود، چون آن انباشتی دانش در کشور دریافت‌کننده وجود ندارد، در نتیجه ایجاد هیچگونه تغییری در آن نیستند و در این نقطه است که تکنولوژی تبدیل به تکنیک می‌گردد که نحوه انجام عمل با آن یک امر کاملاً مکانیکی است. پس کشور دریافت‌کننده از این زمان به بعد از تکنولوژی به عنوان تکنیک استفاده می‌کند و چون تکنیک ثابت است، پس

خارجی پرداخت. این سرمایه‌ها علاوه بر ایجاد درآمد و اشتغال، مدیریت جدید و مدرن را نیز با خود می‌آورد. همچنین روند تولید جدیدی را همراه با افزایش رقابت در بین تولیدکنندگان کشور ایجاد می‌کند و بالاخره به کارگیری تخصص‌های بالاتر و تولید با راندمان بیشتر وارد کشور می‌شود که هر کدام از اینها اثرات مثبت و وسیعی در سطح اقتصاد ملی برجای می‌گذارد و مقدار زیادی منافع جنبی از این طریق برای کشور حاصل می‌شود. به علاوه تولیدات این مؤسسات باعث زیاد شدن عرضه در کشور می‌گردد که به نوبه خود اثرات مثبتی روی تورم دارد. اما در مورد موضوعاتی که باید با احتیاط روی آنها فکر کرد: ابتدا باید به مسئله تضعیف حاکمیت ملی پرداخت. در مورد این ترس تا حدود زیادی غلو شده و پراهمیت تلقی گردیده است، که در حقیقت خیلی مهم هم نیست. چون در هر کشوری قانون حکومت می‌کند و این سرمایه‌ها وقتی وارد آن کشور شدند به طور اتوماتیک تابع قوانین کشور دریافت‌کننده سرمایه می‌شوند و چون دولت فقط در چارچوب قانون حق اعمال قانون را دارد، پس این سرمایه‌ها هیچ فرقی با سرمایه‌های داخلی ندارند. چون هر دو سرمایه‌گذار داخلی و خارجی بر حسب تعریف در مقابل قانون یکسان هستند. بنابراین تا زمانی که امتیازات قانون قبل از ورود سرمایه‌ها داده نشود تضعیف حاکمیت ملی اصلاً مطرح نیست و بالطبع ترس از آن نیز نابجا می‌باشد.

○ چگونه می‌توان از سلطه یافتن شرکتهای چند ملیتی و نفوذ آنها بر امور سیاسی کشور ممانعت کرد؟ نمونه این قبیل کشورها، شیلی در دوره حکومت آلنده و نقش شرکت آئی. تی. تی در سرنگونی حکومت اوست؟

- در شرائطی که حکومت بسیار کوچک و شرکتهای بسیار بزرگ و قوی باشند وقوع همچو اتفاقاتی ممکن است پیش بیاید. معمولاً شما در این کشورها، مشاهده می‌کنید که قطبهای بسیار قوی اقتصادی داخلی وجود دارند که به همین ترتیب مقامات سیاسی آن کشورها را

و اداری به انجام خواسته‌های خود می‌کنند. پس این خطر به وضعیت موجود در آن کشورها مربوط می‌شود. اگر خارجی‌ها بتوانند اعمال نفوذ بکنند، پس داخلی‌ها هم می‌توانند اینکار را حتی بهتر انجام بدهند. آنچه مهم است سیستم حقوقی موجود در آن کشور است که باید حتماً مبتنی بر قانون و متعهد به انجام آن باشد. آنهم به صورت یکسان برای همه. در غیر اینصورت خطر اشاره شده در سؤال هم توسط خارجی‌ها و هم توسط داخلی‌ها وجود دارد و چه بسا که بزرگتر و با قدرتی زیادتر بتوانند سوء استفاده کرده و آنها را مخفی نگهدارند.

### راههای جلوگیری از خروج ثروت

در مورد دومین مسئله یعنی انتقال ثروت باید بگویم که انتقال ثروت خطری حقیقی و جدی است و هیچگونه ابزار حکومتی از قبیل مقررات، قوانین، دستورالعملها، آئین‌نامه‌های گمرکی و غیره و غیره قادر به جلوگیری از آن نیست. تنها راه جلوگیری از خروج ثروت وجود چند مورد است که به تک تک آنها اشاره می‌کنم. اول وجود سیستم تک نرخ ارز تعیین شده توسط شرایط اقتصادی عرضه و تقاضا به نحو آزاد است.

○ به چه شکل؟

- به طوری که نرخ ارز تعیین شده نشانی از واقعیت‌های عملکرد سیستم قیمت‌ها در داخل کشور و وضعیت تراز پرداختهای خارجی آن کشور باشد. تک نرخ بودن ارز بسیار بسیار با اهمیت است. چون مانع ارتشاه، رشوه، اعمال نفوذ در اجازنامه‌ها، قاچاق و غیره می‌شود. به علاوه آنکه اصلاً احتیاجی به یک سیستم عظیم بوروکراسی و اجرائی ندارد.

○ پس چرا تک نرخ شدن ارز در شرایط موجود مانع انجام اعمال فوق که ذکر گردید نشده است؟

- برای اینکه ما بعد از انقلاب در هیچ زمانی سیستم تک نرخ ارز نداشته‌ایم و امروز هم نداریم.

دومین مورد که مانع انتقال ثروت می‌شود و به طور مستقیم مسئله‌ای است که حساسیت در مورد پذیرش سرمایه‌های خارجی ایجاد می‌کند، ایجاد تحولی اساسی در سیستم بانکی کشور است. به طوری که بانکها به صورت رقابتی عمل نمایند و به متقاضیان وام براساس بازدهی پیش‌بینی شده اقتصادی مورد سرمایه‌گذاری وام بپردازند. نه براساس بخشنامه‌ها، دستورالعملها و یکسان بودن چنین عملکردهایی توسط تمام بانکها.

سومین مورد که باید مورد توجه دقیق قرار بگیرد، اصلاح سیستم قیمت‌ها

در کشور است. از میلیونها قیمتی که در کشور برای میلیونها کالا وجود دارد حتی یک قیمت را نمی‌توان یافت که به دلایل اقتصادی مساوی با هزینه نهانی باشد. بنابراین کلیه منابع به نحوی غیراقتصادی در جامعه تخصیص می‌یابد که این تخصیص غیراقتصادی منابع می‌تواند شامل منابع خارجی هم بشود.

اصلاح سیستم قیمت‌ها کاری است بسیار بسیار عظیم و در شرایط فعلی مشکل که متأسفانه هنوز اقدامات اولیه در مورد آن انجام نگرفته است.

چهارمین مسئله حذف سیستم سوبسیدهای موجود در کشور است. مثلاً اگر سرمایه‌گذار خارجی امروز وارد کشور شود بخشی از حقوق کارگران او را دولت از طریق انواع کوپن‌ها که متعهد به پرداخت آنها است می‌پردازد. کارگران این سوبسیدها را می‌گیرند و بازده آنها متعلق به سرمایه‌گذار خارجی خواهد بود. همچنین قیمت‌های فوق العاده غیراقتصادی موجود در مورد نان، مواد سوختی و کالاهای دیگر که اینها به صورت مفت و به عنوان هدیه به جیب خارجی خواهد رفت که باید از آنها جلوگیری کرد.

پنجمین مورد رسیدگی به وضعیت فعلی بورس تهران و اطمینان یافتن از این امر است که قیمت سهام که در حقیقت نشانه‌ای از ارزش واقعی سهام و آن

مقدار مالکیت است.

چندی پیش یکی از مقامات اقتصادی کشور اعلام نموده بود که با صد میلیون دلار می‌شود سهام تمام شرکتهای ثبت شده در بورس تهران را خرید. در حالیکه اینها شرکتهایی هستند که میلیاردها دلار برای آنها سرمایه‌گذاری شده است. اگر اجازه خرید به سرمایه‌گذاران خارجی داده شود یعنی اینکه به صورت مفت به آنها هدیه شده است.

ششم لغو تدریجی سیستم برنامه‌ریزی متمرکز پنج ساله دولت است که موانع بسیار زیاد بر سر راه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی فراهم کرده است. در سیستمی که تصمیمات براساس متغیرهای اقتصادی اتخاذ می‌گردند دولت باید فقط نقش ارشادی داشته باشد نه اداره کننده و تولید کننده محصولات اقتصادی.

و بالاخره هفتمین مورد این است که برای موفقیت اقتصادی و بالابردن احتمال آمدن سرمایه‌های خارجی به علاوه به کارگیری سرمایه‌های را کد داخلی، درک صحیحی از اهمیت و نقش اصل مالکیت خصوصی با پشتوانه حقوقی در جامعه لازم است که متأسفانه هنوز به طور باید و شاید به این مهم توجه نشده است.

## خارجی بیشترین بخش سهام را می‌خواهد

### بخش چهارم:

### نظر یک سرمایه‌گذار خارجی

در بولتن شماره ۳ (مرداد) و شهریور ۷۳ اتاق بازرگانی و صنایع رسمی ایران و آلمان مصاحبه‌ای با آقای یورگن فرومه مدیرعامل شرکت صنعتی هنکل در ایران چاپ شد که نه تنها حاوی اطلاعات جالب توجهی در مورد روند سیاست جلب سرمایه‌گذاران خارجی ایران می‌باشد، بلکه از این لحاظ نیز در خور تأمل است که بازتابی است از نقطه نظرها و انتظارات شرکتهای خارجی که

آماده‌اند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. متن مصاحبه ذیلاً چاپ شده است. خواننده ایرانی از خلال این گفتگو اطلاعات لازم را دریافت خواهد کرد. اما در مورد فراز آخر مصاحبه ذکر توضیحاتی لازم است که ماهنامه آنها را در پایان ارائه خواهد کرد. از یورگن فرومه پرسیده می‌شود: «شما به عنوان مسئول یک شرکت خارجی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارید، تحولات را چگونه ارزیابی و برای دستیابی به این اهداف چه اقداماتی را پیشنهاد می‌کنید؟» آقای فرومه در پاسخ می‌گوید:

- به نظر من یکی از مشکلات قوانین و مقررات فعلی در این زمینه تاروشن و غیرمشخص بودن این قوانین است. مثلاً می‌توان به مقررات مربوط به نحوه تقسیم سرمایه اشاره کرد. مراجع مسئول به طور شفاهی تأکید می‌کنند که در این قوانین سقفی برای درصد میزان شراکت طرف خارجی معین نشده است. این موضوع تاکنون بارها حتی رسماً منتشر شده است. اما در عمل قاعده ۴۹ درصد، ۵۱ درصد برای طرفهای خارجی و ایرانی رعایت می‌شود حتی اگر این تصمیم از وجهه قانونی برخوردار نباشد. یک شرکت خارجی که قصد سرمایه‌گذاری در